

حیدر حب الله و نظریه السنه فی الفکر الإمامی الشیعی التکوّن و الصیروره

نظریه السنه فی الفکر الإمامی الشیعی التکوّن و الصیروره؛ حیدر حب الله؛ بیروت: مؤسسة الانتشار العربی، ۲۰۰۶م.

محمد زراقت فراگرفت و در سن ۲۲ سالگی دروس سطح خود را به اتمام رساند.

بعد از اتمام دروس سطح در سال ۱۹۹۵ میلادی برای تکمیل دروس حوزوی عازم ایران شد و در حوزه علمیه قم از محضراستادانی چون آیت الله وحید خراسانی، جوادی آملی، هاشمی شاهرودی، نجابت و ایروانی بهره برد و پس از مدتی خود مشغول تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم می شد.

همزمان با تحصیل در دروس حوزه، در دانشکده اصول دین نیز تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی خود را در رشته علوم قرآن و حدیث ادامه داد و در سال ۱۳۸۳ شمسی، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «سنت، جایگاه و نقش آن در تفکر اسلامی، نگاهی تاریخی در میراث شیعی» با درجه عالی دفاع کرد.

حیدر حب الله به دلیل تسلط به زبان فارسی مجموعه ای عظیم از کتب و مقالات را از فارسی به عربی ترجمه کرد. از جمله ترجمه های او عبارت است از:

الف) بین الطریق المستقیم والطرق المستقیمه (مقالات فی التعددیه الدینیة للدکتور عبد الکریم سروس والشیخ مصباح الیزدی والدکتور علی رضا قائمی نیا).

ب) الدولة الدینیة.

ج) المجتمع الدینی والمدنی.

چکیده: کتاب نظریه السنه فی الفکر الإمامی الشیعی التکوّن و الصیروره پژوهشی درباره سنت و حجیت آن از دیدگاه فقیهان شیعه است. نویسنده کتاب با نگاه تاریخی تحلیلی، یک دوره اعتبار حدیث شیعه را از منظر این دانشمندان در دوره زمانی عصر حضور ائمه (ع) تا عصر حاضر، مورد بررسی قرار می دهد. وی سعی دارد اثبات کند که شیعه در هیچ دوره تاریخی به سنت ظنی عمل نکرده است و بر همین اساس در ۵ فصل اول سنت را در دوره حضور معصومان (ع)، قرن چهارم تا هفتم، قرن هفتم تا نهم، قرن دهم و یازدهم (اخباریون) و عصر حاضر مورد کاوش قرار می دهد. در فصل ششم بحثی پیرامون جریان های نقدگرایی حاضر داشته و در نهایت به ارائه مطالبی درباره حجیت سنت ظنی در حوزه غیر فقه و احکام پرداخته است. نویسنده نوشتار حاضر، با هدف معرفی کتاب مذکور، نخست معرفی مختصری از مؤلف کتاب ارائه می نماید. در ادامه، با معرفی کتاب و ذکر اهداف و سؤالات نویسنده آن، فصول کتاب را نام برده و به اختصار محتوای آنها را مورد مذاقه قرار می دهد.

کلیدواژه ها: حدیث شیعه، سنت، کتاب نظریه السنه فی الفکر الإمامی الشیعی التکوّن و الصیروره، حیدر حب الله، حدیث شیعی، جریان های نقدگرایی حدیث، سنت ظنی.

۱. معرفی مؤلف

حیدر محمد کامل حب الله در شهر صور از مناطق جنوب لبنان و در خانواده ای شیعی به دنیا آمد. در حالی که هنوز سه سال از عمرش سپری نشده بود، پدر خود را از دست داد.

تحصیلات ابتدایی را در مدرسه انگلیسی و تحصیلات راهنمایی و دبیرستان را در شهر صور گذراند. در سال ۱۹۸۹ میلادی و در سن شانزده سالگی، تحصیلات حوزوی را نزد برادر خود شیخ علی حب الله، شیخ حسن حریری، سید محمد غروی، شیخ صالح الفقیه و شیخ

د) الأسس النظرية للتجربة الدينية قراءة نقدية مقارنة بين ابن عربي ورودلف أتو.

ه) ابن إدريس الحلبي رائد مدرسة النقد في الفقه الإسلامي.

۱. الفكر السياسي لمسكويه الرازي، قراءة في تكوين العقل السياسي الإسلامي.

۲. مقاربات في التجديد الفقهي (اثر آيت الله صانعی).

۳. الحج رموز وحکم (اثر آيت الله جوادی آملی)

ایشان افزون بر آثار فوق دارای آثار متنوع در حوزه های مختلف علوم اسلامی اعم از فقه، اصول، کلام، قرآن و حدیث است و بالغ بر ۱۵۰ مقاله علمی نیز عرضه کرده است. معاونت دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، سردبیری مجله فقه اهلیت (ع) عربی، سردبیری مجله المنهاج البیروتیة به مدت هفت سال، سردبیری مجله نصوص معاصرة، سردبیری مجله الاجتهاد و التجديد، عضویت هیأت تحریریه مجلات میقات الحج و اصداء و نیز مشاوره علمی مجلات قبسات، دراسات قرآنیة، نداء الرافدين و... از کارهای اجرایی ایشان است. ریاست واحد شیعه امامی در مؤسسه «خدمة علوم القرآن الکریم والسنة الشریفة» در قاهره و مسئولیت تیم مطالعاتی «موسوعة الحديث النبوی الصحيح عند المسلمین» از دیگر کارهای اجرایی اوست.

مشاوره و راهنمایی بیش از ده پایان نامه علمی در حوزه علمیه قم، جامعه المصطفی، دانشگاه ادیان و مذاهب و دانشکده اصول الدین از دیگر کارهای علمی اوست. تدریس دروس حوزوی اعم از کفایة الأصول، مکاسب، حلقات الثلاث، لمعه و شرح لمعه، منطق، قطر الندی، رساله العملية، بلاغة الواضحة و المنهج الجدید فی تعلیم الفلاسفة در حوزه علمیه قم و نیز دروس دانشگاهی اعم از مستشرقان و حدیث، احادیث موضوعه، تفسیر آثری، فلسفه فقه و اجتهاد در اهل سنت در دانشگاه آل البیت العالمیة از دیگر فعالیت های علمی این عالم شیعی به شمار می رود.

۲. معرفی کتاب نظریة السنة فی الفكر الإمامی الشیعی التکون و الصیرورة

کتاب نظریة السنة اثر حیدر محمد کامل حب الله نویسنده محقق و پژوهشگر حوزه های متعدد دینی اعم از قرآن و حدیث است. این کتاب در ۸۵۰ صفحه و با بهره گیری بیش از ۶۴۰ منبع دسته اول و دوم عربی و فارسی اولین بار در بیروت از سوی مؤسسه انتشارات العربی و در سال ۲۰۰۶ میلادی به چاپ رسید.

هدف از نوشتن این کتاب

رصد کردن تئوری پایه ای و اصلی

شیعی در مقوله حدیث شیعی

است. نویسنده در مقدمه کتاب

بحثی از وجود نقد و انواع آن در دو

قرن اخیر کرده و اساس این حرکت

نقادانه را جریان استشراق می داند

که از قرن نوزدهم شروع شده و تا به

حال ادامه دارد. این جریان سبب

تحولات عظیمی در رجوع به سنت

و منابع اسلامی با رویکرد نقادانه

شده است.

کتاب حاصل تتبعات علمی نویسنده از رهگذر تحصیلات دانشگاهی ایشان در دانشکده اصول دین قم است؛ به طوری که ایشان در مقدمه اظهار می کند که چهار فصل اول کتاب متن پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان است که به راهنمایی دکتر مهدی مهریزی و مشاوره دکتر احمد عابدی و به زبان عربی با عنوان «نظریة السنة فی الفكر الإمامی الشیعی التکون و الصیرورة» بوده و در سال ۱۳۸۳ شمسی با درجه ی عالی دفاع شده است.

هدف از نوشتن این کتاب رصد کردن تئوری پایه ای و اصلی شیعی در مقوله حدیث شیعی است. نویسنده در مقدمه کتاب بحثی از وجود نقد و انواع آن در دو قرن اخیر کرده و اساس این حرکت نقادانه را جریان استشراق می داند که از قرن نوزدهم شروع شده و تا به حال ادامه دارد. این جریان سبب تحولات عظیمی در رجوع به سنت و منابع اسلامی با رویکرد نقادانه شده است.

یکی از مشکلات اساسی تفکرات و مطالعات دینی را حالت مقدس گونه بودن افکار پیشینیان بوده. بنابراین نویسنده در عنوان کتاب لفظ «نظریه» را قرار می دهد؛ زیرا اولاً تمامی این دیدگاه های ارائه شده از قدیم تا به حال تجربی بوده و در مقوله زمانی و مکانی و انسانی قرار دارد. از طرف دیگر با انتخاب این نام جلوی هرگونه کج فهمی و مقدس گونه بودنی که بر افکار پیشینیان حاکم است را از این کتاب و دیدگاه های موجود در آن بزداید.

در مدخل تعیین چارچوب های شناختی و روش مطالعاتی از دو محور که در حقیقت کلیات پایان نامه را شامل می شود سخن می گوید:

الف) تمامی آنچه نویسنده خود را متعهد کرده تا در آن مسیر گام نهد که چیزی جز ضرورت، اهداف، پیشینه، سؤالات و روش های تحقیق نیست.

ب) توضیحات و اژگان کلیدی که پژوهش حول آنها است که سبب رفع سردرگمی های احتمالی خوانندگان می شود.

در محور اول و در قسمت ضرورت تحقیق، ضرورت نگاه تاریخی به مطالعه مسائل دینی به بحث گذاشته می شود؛ چرا که از نظر حب الله از رهگذر این نگاه تاریخی، مقدمه کشف علوم و فنون فراهم شده و ایدئولوژی های باطل دور می شود. ضرورت تاریخی نگاه کردن به مسائل در حوزه دین کمک می کند که اولاً اشکالات و سردرگمی هایی که در فهم علوم، همچون مصطلحات داریم رفع شود؛ زیرا بسیاری از مصطلحات در طول تاریخ تحولات و تطورات متعددی را سپری

مطالعه تاریخی، سنت در عصر حضور معصومان (ع) را بررسی کند.

در ابتدای فصل این سؤال را مطرح می‌کند که آیا در زمان معصومان (ع) هم اجتهاد وجود داشته است؟ اگر چنین است دلایل آن چیست؟

در ادامه با ذکر دلایلی تاریخی این تحلیل را ارائه می‌کند که اجتهاد در عصر حضور ائمه (ع) وجود داشته است و با وجود حضور خود ائمه (ع) و دسترسی مستقیم شیعیان به ایشان، شیعیان از عمل به اخبار واحد ظنی یا غیر متواتر خودداری می‌کردند. در عین حال اجتهاد در میان اصحاب ائمه (ع) رواج داشت؛ زیرا:

اولاً حضور معصوم به این معنا نبوده است که امکان وصول به امام برای همه مردم و همه جا به آسانی بوده باشد؛ به طوری که بُعد مکانی با امام و اینکه امام در مدینه و شیعیان در عراق و قم و ری و خراسان و... پراکنده بودند، سبب وجود اختلافات میان فرقه‌ها و یا مشکلات مختلف در مناطق شیعه نشین بود.

ثانیاً شواهد تاریخی وجود دارد که وجود مدارس متعدد در مناطق شیعه نشین، همچون مدرسه نیشابور، مدرسه قم و... و تعدد نظرات این مدارس با هم، حاکی از تعدد اجتهادات حاکم بر آنها بود.

ثالثاً وجود دسته‌بندی‌های کلامی که تاریخ شیعه در سه قرن نخست به ثبت رسانیده است، لازم بودن مقوله اجتهاد را در میان شیعیان و اصحاب ائمه (ع) همچون مؤمن الطاق و هشام بن حکم به اثبات می‌رساند.

رابعاً وجود پدیده‌ای به نام اختلاف میان روایات که در زمان حضور معصوم (ع) نیز وجود داشته است، ضرورت پدیده اجتهاد را طبیعی می‌نمایاند؛ چرا که برای حل و رفع اختلاف ناچار به اجتهاد و مقابله دسته‌ای از روایات با دسته‌ای دیگر بودند و حتی شواهدی وجود دارد دال بر وجود اجتهادات ظاهری مبنی بر اینکه گاهی خود معصومان (ع)، نوعی از تعلیم و توجیه و کیفیت اجتهاد را به شاگردانشان یاد می‌دادند.

آنچه آشکار است حیات علمی شیعی با اجتهاد همراه بوده، خصوصاً در قلمروهای عقلی کلامی. همچنین مجموعه‌ای از شواهد تاریخی و تحلیلات منطقی نشان‌گر این است که اجتهاد و نظر در عصر ائمه (ع) همراه با نص بوده است و در عین حال که اجتهاد وجود داشته است، برخوردها و مواضع شیعیان آن عصر به گونه‌ای بوده که گویا شیعه در آن زمان به سنت حقیقی و واقعی عمل کرده و آن را پذیرفته است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که دوره‌ی حضور معصومان (ع) در شیعه، مبدأ حجیت سنت واقعی بوده است. از سویی دیگر این سنت واقعی همان سنت محکی و یقینی بوده است و این یقین یا از طریق برهان بوده است یا یقین عادی و معمول و رایج میان مردم که همان نیز اطمینان

کرده است. ثانیاً ارتباط بین وقایع علمی و سیاسی و اجتماعی کشف می‌شود؛ چنان‌که دولت صفوی و تأثیر آن بر روی جریان اخباری‌گری از رهگذر همین مطالعه تاریخی حاصل می‌شود. ثالثاً کشف صورت حقیقی مقولات متعدد محقق می‌شود و حالت تقدس‌گونه بودن برخی دیدگاه‌ها زیر سؤال می‌رود.

در قسمت اهداف، هدف خود را رصد تاریخی تحلیلی موضوع سنت در دیدگاه شیعی می‌داند. نویسنده در این بخش از دو نوع سنت سخن می‌گوید: سنت واقعی و سنت محکی. او بر این باور است که شیعه در حجیت سنت واقعی و حقیقی که همان خبر متواتر و یا محفوف به قرائن می‌باشد، شکی ندارد، بنابراین بحث از این نوع سنت بی‌فایده است. پس سنت محکیه موضوع عالمان شیعه در طول تاریخ بوده و بحث از اعتبار این نوع سنت، موضوع اصلی کتاب است.

دیگر اهداف نویسنده عبارتند از تعیین مبدأ حجیت سنت واقعی و اینکه آیا این سنت مرجع شناخته شده‌ای در اصول و فروع است یا خیر؟ آیا این مقوله سنت به این معنا در معرض نقد قرار گرفته است یا نه؟ اگر قرار گرفته چه زمانی و توسط چه کسانی صورت گرفته است؟ دیدگاه‌های مقابل سنت محکی چیست و آیا حجیت خبر به معنای حجیت کل اخبار و روایات است؟ و اینکه تقسیم خبر به قطعی و ظنی چه اثری روی حجیت اخبار دارد.

سوالات تحقیق از نظر نویسنده عبارت است از:

الف) سنت در عصر حضور ائمه (ع) در چه وضعیتی بوده است؟

ب) اگر صحیح است که امامیه به خبر واحد عمل نمی‌کرده، پس چطور بحث از اعتبار خبر واحد بین آنها مشهور شده است؟

ج) نظریه سنت چطور به دست علامه حلی تطور یافت؟

د) برای چه حرکت اخباری‌گری ضد عملیات نقد سند بود و چه چیزی باعث تشدید جریان اخباری‌گری شد؟ خدمات و آسیب‌های احتمالی این جریان چه بود؟

ه) چگونه رویکرد فلسفی بر اعاده شکل‌گیری نظریه سنت در عقل شیعی وظیفه خود را به اتمام رسانید؟ نیز مقوله انسداد علمی در رویکرد کشف مواقف دینی نسبت به سنت برای چه بود؟

و) جریان فعلی شیعی نسبت به سنت در چه وضعیتی قرار دارد؟

در محور دوم این مدخل، اصطلاحات پرکاربردی چون سنت، حدیث، خبر، اثر، خبر متواتر و خبر واحد به طور مفصل بحث و تعاریف نهایی این واژگان بیان می‌شود.

۱-۲. فصل اول: نظریة السنة فی عصر الحضور

همان‌طور که از نام فصل مشخص است نویسنده در صدد است تا از رهگذر

آور و علم آور است، بنابراین باید گفت شیعه در عصر معصومان (ع) هیچ‌گاه به خبر واحد ظنی عمل نمی‌کرده است.

۲-۲. فصل دوم: شکل‌گیری مبانی نظری سنت در مقوله‌ی تفکر شیعی، قرن چهارم تا قرن هفتم

در این فصل حجیت و اعتبار خبر واحد را میان دانشمندان اسلامی در بین قرن چهارم و هفتم بررسی می‌کند.

سنت محکی در فاصله زمانی سال ۲۶۰ هجری قمری (آغاز غیبت صغری) تا زمان ابن طاووس حلی مشتمل بر دیدگاه‌های علمای شیعه از جمله شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، امین الاسلام طبرسی، ابن براج، ابن ادریس و محقق حلی است که به طور مفصل و مبسوط به آن پرداخته شده و تک‌تک دیدگاه‌های این دانشمندان بررسی می‌شود.

از محورهای مهم این فصل، افتراق و اتفاق دیدگاه‌های سید مرتضی و شیخ طوسی در حجیت خبر واحد و ادعای اجماعی است که هر دوی این دانشمندان داشته‌اند. اجماع سید مرتضی مبنی بر عدم حجیت خبر واحد که موافق با نظر شیخ مفید بود؛ ادعایی که حجیت خبر واحد را به طور مطلق انکار می‌کند و بیان می‌کند که خبر واحد نه موجب علم است و نه موجب عمل (الخبار الأحاد لا توجب علماً و لا عملاً).

از سویی دیگر اجماع شیخ طوسی، دقیقاً مخالف ادعای اجماع سید مرتضی بوده و بیان می‌کند که علمای شیعه در طول تاریخ حجیت خبر واحد را پذیرفته و بر اساس آن عمل کرده‌اند.

نویسنده در فاصله زمانی قرن چهارم تا هفتم از دو مدرسه در میان شیعیان یاد می‌کند. مدرسه یقین که پیروان آن اهل نقل حدیث هستند و حجیت خبر را فقط برای اخبار یقینی قائل هستند. سردمدار این مدرسه شیخ مفید است، اما سید مرتضی حضور خود را بیشتر نشان داد و چهره برجسته این مدرسه شد. ابن براج، امین الاسلام طبرسی، ابن زهره و ابن شهر آشوب پیروان این مکتب هستند.

مدرسه دیگر مدرسه ظن بود که با تلاش‌ها و دیدگاه‌های شیخ طوسی شروع شد. حجیت خبر واحد در نگاه این مدرسه، یعنی قبول و حجیت خبر ظن. این مدرسه در مقابل مدرسه یقین در آن زمان طرفداران چندانی نداشت، بنابراین شاهد استمرار مدرسه سید مرتضی حتی بعد از ارائه نظر شیخ طوسی هستیم.

در بیانی دیگر شیعه در بین قرن چهارم تا هفتم هجری بر نظریه یقین در سنت استوار است و از هرگونه رجوع به خبر واحد و ظنی رویگردان. تمامی علمای شیعه، به استثنای شیخ طوسی که حجیت سنت محکی را قبول دارد، به حجیت سنت یقینی اهتمام داشته و بر اساس آن عمل می‌کردند.

نکته دیگر این‌که بالاگرفتن نزاع‌های مذهبی میان مسلمانان عراق در قرن پنجم و ششم است؛ از این رو تصنیفات زیادی از سوی صاحبان این مکاتب نوشته می‌شد. ابن ادریس حلی در این جریان با بیان عدم قبول روایات راویان غیر امامی، اولین گام را به سمت تشکیل مدارس سند در حله و جبل عامل برداشت که در عین حال، حرکت ابن ادریس نقدی بر نظریه حجیت اخبار آحاد شیخ طوسی بود و در ادامه محقق حلی آخرین گام‌ها را در پیشبرد جریان مدرسه یقین به کار گرفت.

۳-۲. فصل سوم: نظریه سنت و حرکت از نقد متن به سمت نقد سند

بررسی نظریه سنت در فاصله قرن هفتم تا نهم هجری موضوع اصلی این فصل است. مشهورترین و پررونق‌ترین حوزه شیعی در سده‌های هفتم تا نهم هجری، حوزه حدیثی حله است که دانشمندان مشهور و معتبری را به جامعه شیعی هدیه کرده و نام خود را جاودانه ساخته است. حله مرکز و پناهگاه عالمان و دانش‌پژوهان شیعه بوده است؛ به طوری که با نظریه شاگردان علامه حلی و نسخه‌برداران کتاب‌های او می‌توان حضور پر نشاط عالمان را در این شهر مشاهده کرد. بیشتر این عالمان از مناطق خراسان، اصفهان، طبرستان و سایر نواحی به حضور علامه حلی می‌رسیدند.

مهم‌ترین رویداد حدیثی این سده، تغییر مبانی نگرش به اعتبار روایات و نقد روایات است. جریان نظریه سنت و حرکت از نقد متن - که در گذشته بود - به سمت نقد سند، اولین بار با ابن ادریس با نقد سند آغاز شد و سپس حضور علم رجال و چاره‌جویی‌های سندی بالا گرفت. در اینجا بود که رجالی نقاد، احمد بن طاووس پا به عرصه ظهور گذاشت و با تلاش‌هایش اساس تقسیم رباعی حدیث را بنیان نهاد. در ادامه علامه حلی با بیان صریح تقسیم رباعی حدیث، اساس فکری نودر نگاه به نظریه سنت را به وجود آورد.

پیش از علامه حلی یا سید بن طاووس احادیث به دو دسته اصلی صحیح و ضعیف تقسیم می‌شد و مبنای قداما در صحیح‌انگاشتن حدیث پیش از آنکه به راویان حدیث معطوف باشد، به متن روایات و منبعی که حدیث از آن نقل می‌شود، معطوف بود، اما با تقسیم رباعی حدیث پس از علامه حلی یا سید بن طاووس، عملاً همه مبنای داوری در صحت احادیث به ویژگی‌های سندی احادیث معطوف شد.

نتیجه تقسیم رباعی احادیث با وجود مفید بودن این تقسیم در نشان دادن دقیق وضعیت حدیث، آن شد که بسیاری از روایاتی که از نظر قداما صحیح بود، از نظر قداما ضعیف تلقی شد؛ چنانکه درباره کافی معتبرترین جامع حدیثی شیعه گفته شده که قریب به ده هزار روایت، یعنی دو سوم روایات آن ضعیف است، در حالی که طبق مبنای قداما هرگز این حجم از روایات کافی ضعیف قلمداد نمی‌شده است.

علامه کتابی دیگر با نام ایضاح الأشتباه دارد که درباره علم رجال است و در آن به ضبط دقیق نام‌های راویان پرداخته است، اما آنچه که به دوام مدرسه سند انجامید، تلاش‌های مبلغان معروفی چون شیخ حسن صاحب معالم و سید سند صاحب مدارک بود.

این تلاش‌ها به حدی بود که در حوزه‌های علمی آن روز که حجیت سنت ظنی مورد قبول واقع شده بود، در مکتب سند نقدهای بسیاری را دامن زد و بیم آن می‌رفت که میراث اسلامی از بین برود. دقیقاً از همین جا رویکرد اخباریون به سنت بررسی می‌شود.

۴ - ۲. فصل چهارم: اخباری‌گری و عصر طلایی

نظریه سنت

این فصل تصویری کاملاً روشن از جریان اخباری‌گری و شخصیت‌های آن و تلاش‌های دولت صفویه به ما ارائه می‌دهد. این جریان در پی آن است که یقینی بودن سنت را برگرداند و جایگاه آن را بر عقل و کتاب و اجماع برتری دهد.

اخباریان از فرقه‌های پرسروصدای تشیع از چند قرن پیش بودند و به آنان اخباری‌گری و اخباریه اطلاق می‌شود؛ چون تابع اخباراند و در مسایل مذهبی به ویژه احکام به اخبار رسیده (احادیث و روایات ائمه اطهار) استناد می‌کنند. آنها اجتهاد را که بر محور عقل، اجماع، کتاب و سنت است نادرست می‌دانند. در مکتوبات قبل از عصر صفوی از دو مکتب اصولی و اخباری کمتر نامی به میان آمده است.

همزمان و با به قدرت رسیدن صفویان (سال ۹۰۷ ق) که شیعه مذهب و دوستان آل علی بودند و با یاری شاه اسماعیل، مذهب شیعه مذهب رسمی ایران شد. اهتمام شاه اسماعیل اول از بعد نظامی و فرهنگی، به اعلام رسمیت مذهب تشیع دوازده‌امامی برای بیشتر مردم ایران انجامید؛ زیرا جز چند شهر قم، کاشان، ری، سبزوار، مشهد و بعضی از قراء ایران که پایگاه مذهب تشیع بودند، بیشتر مردم در اوایل قرن دهم پیرو مذاهب تسنن و به ویژه حنفی و شافعی بودند. در این دوران مجال کمتری برای بروز اندیشه‌های شیعی و تألیف کتب برای ترویج و تشیع از سوی عالمان شیعه پیش آمده بود و ایران از وجود عالمان مذهبی توانا و جامع‌الاطراف محروم بود. این خلأ شاه اسماعیل یکم و شاه طهماسب صفوی را بر آن داشت تا برای ترویج مبانی اعتقادی شیعه از علمای اندکی که در ایران سکونت داشتند بهره بگیرند. بدین منظور آنها را به شهرهای مختلف که به تازگی به مذهب امامیه علاقه‌مند و معتقد شده بودند فرستادند و برای تقویت بنیه فرهنگی حکومت نوپای شیعه از عالمان شیعه جبل عامل، شامات، حله و دیگر شهرهای عراق

مجموعه‌ای از شواهد تاریخی و تحلیلات منطقی نشانگر این است که اجتهاد و نظر در عصر ائمه (ع) همراه با نص بوده است و در عین حال که اجتهاد وجود داشته است، برخوردارها و مواضع شیعیان آن عصر به گونه‌ای بوده که گویا شیعه در آن زمان به سنت حقیقی و واقعی عمل کرده و آن را پذیرفته است.

علامه حلی در کتاب‌های فقهی خویش چهارگونه بودن اسناد احادیث و بی‌اعتباری حدیث ضعیف از منظر سندی را به کار گرفت و آن را در علم و روش درسی خویش در پرورش شاگردانش الگوساخت. تأثیر تفکر علامه بر نسل‌های پس از خود انکار نکردنی است. شیوه و نگرش رجالی و حدیثی علامه در مبانی نسل‌های پس از او نهادینه و ملاک اعتبار قدمایی فراموش شد.

رویداد دیگر حدیثی این عصر، گسترش گرایش کلام نقلی بود که به دلیل تألیفات علامه حلی در این دوران رخ داد. نگارش کتاب‌های نهج الحق و منهج الکرامه، جامعه حدیثی اهل سنت را تکان داد. ابن تیمیّه که معاصر با علامه حلی بود، برای رفع این چالش، کتاب منهج السنة النبویّه را نگاشت. این کتاب که مهم‌ترین کتاب در بیان افکار او و دیگر پیروان اهل حدیث در اهل سنت است، اکنون نیز مهم‌ترین کتاب مرجع در عقاید وهابیان است.

مقدمه ابن تیمیّه بر این کتاب، سرشار از تهمت‌ها و افتراءات بدون سند و مدرک است که عمق یکسونگری و تعصب و لجاجت درونی مؤلف را آشکار می‌سازد. علامه حلی پس از مطالعه کتاب منهج السنّه گفت: «لَوْ كَانَ يَفْهَمُ مَا أَقُولُ أَجَبْتُهُ»: اگر او می‌توانست مقصود مرا درک کند، جواب اشکالاتش را می‌گفتم. این نقض و ابرام نشانگر آن است که نگاشته علامه حلی در مدت زمان کوتاهی به شام رفته و ابن تیمیّه بر آن نقد نوشته است. این نقد در اختیار علامه قرار گرفت و او آن را وارد ندانست. تألیف کتاب‌هایی در فضائل اهل بیت (ع) و دیگر امور مربوط به آنان نیز در این حوزه جای دارد؛ کتاب‌هایی چون کشف الیقین و المُستجد من کتاب الإِرشاد (هر دو از علامه حلی).

رخداد دیگر آغاز نگرش و نگارش صوفیانه حدیثی در میان شیعیان است. سید حیدر آملی یکی از عالمان این دوره و از شاگردان فخر المحققین است که با این شیوه به نگارش کتاب‌های جامع‌الأمسار و ... پرداخته است.

به نظر می‌رسد اولین مؤلف حدیثی شیعه که از این دید به متون نگرسته و آنان را برای رواج تفکر صوفیانه (یا عارفانه) تدوین کرده است، سید حیدر آملی باشد. پس از سید حیدر، احادیث مورد استشهاد او به کتاب‌های پسین فیلسوفان، عارفان و صوفیان شیعی راه یافت. نگارش کتاب‌های رجالی ماندگار نیز در این سده به چشم می‌آید. علامه حلی خلاصه الأقوال را نگاشته است و ابن داوود کتاب رجال را سامان داده است.

روحانیان با مقام فرورتر شد. جماعتی از علمای شیعه ایرانی که حوزه فعالیت و نفوذ خود را توسط مجتهدانی که بیشتر آنها ایرانی نبودند محدود می‌یافتند و عزل و نصب روحانیان ایرانی از سوی علمای جبل عاملی را شاهد بودند، این برتری عاملیان را بر نمی‌تافتند و با استناد به احادیث و اخبار، مکتب فکری و فقهی عصر صفوی را به دلیل صدور فتوهای زیاد زیر سؤال می‌بردند. تفویض امور کشور به محقق کرکی از سوی شاه طهماسب اول، تجلیل شاه از وی، دستور به امر و حکام ولایات برای اطاعت از دستورات او و دخالت مستقیم او در عزل و نصب روحانیون بلند پایه ایرانی قابل تأمل است که خیزش و تفوق اخباریان بر علمای اصولی و مجتهدان از پیامدهای آن بود. سیطره مکتب اشاعره قبل از ظهور، جلوس صفویان، حاکمیت تفکر جمودگرایی، رویکرد به نقل‌گرایی و گریز از مطالب و مسایل عقلی، ظهور اخباریان را در جامعه مذهبی صفویان ناگزیر کرد. بروز این اندیشه و اعتقاد در جامع‌ترین شکل خود در وجود ملا محمد امین استرآبادی تجلی علنی یافت.

استرآبادی دانشمندی توانا و دارای تألیفات فراوان بود و پشتکار را با تعصب همراه ساخته بود. او سال‌ها مجاور مکه معظمه و مدینه منوره بود و با حوزه‌های علمی تشیع مراوده داشت. استرآبادی در پی احیای طریقه فقهی اخباری‌گری در برابر روش فقهی اصولی مجتهدان بود و در این راه موفق به ارائه دیدگاه‌های عقیدتی و فکری خود در آثارش شد. او تأثیر زیادی در حوزه تفکر دینی در ایران عصر صفوی در زمان حیات و بعد از آن برجای گذاشت.

استرآبادی کوشش چشمگیری برای اجرای دستورات دینی با بازگشت به کتاب و سنت و دور از دلایل و باورهای عقلانی و استنباط مجتهدان کرد و در دو اثر معروف خود فوائد المدنیه به زبان عربی و خلاصه آن به زبان فارسی با عنوان رساله شاهی کوشید علمای شیعه را به شیوه علمای سلف بازگرداند تا از راه اخبار به یقین و عمل به یقین برسند. او بر عمل مجتهدان در استخراج احکام از قرآن می‌تاخت و آن را حوزه خاص پیامبر و ائمه می‌دانست. وی از ابتدا از شیوه مجتهدان پیروی می‌کرد و خواسته‌های درونی، او را بر آن داشت تا از روش استادانش برگردد و به تخریب دین بپردازد، علیه مجتهدان به پا خیزد، اقامه دلیل کند و موجب تفرقه و تشتت بین عالمان شود.

استرآبادی با انتقاد از شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی، رویکرد آنان به علم کلام و اصول فقه برگرفته از تفکر عقلی را متأثر از شیوه علمای عامه می‌داند و علامه حلی، شهید اول، شهید ثانی و شیخ بهایی را مروجان روش او می‌داند. وی تقسیم چهارگانه احادیث را قبول ندارد و آن را برگرفته از اهل سنت و غفلت علامه حلی می‌شمارد و بر این باور است که تمام احادیث کتاب کافی، بلکه تمام احادیث کتب اربعه صحیح است.

و بحرین استفاده کردند. این روند از اوایل تا اواخر حکومت صفویه ادامه داشت و بسیاری از این عالمان در ایران ساکن شدند و عده‌ای نیز به شهرهای خود مراجعت کردند. وجود این چهره‌های علمی، موجب پدید آمدن حوزه‌های علمی در شهرهای مختلف ایران مانند اصفهان، مشهد، قزوین و شیراز شد.

حمایت شاهان صفوی از این عالمان و تقویت مالی آنها از سوی حکومت و توجه روزافزون جویندگان جوان علم به کسب علوم دینی، سبب رونق این مراکز علمی شد. مهاجرت علمای نام‌آور مانند ابوالحسن شیخ علی بن عبدالعالی کرکی (محقق ثانی یا محقق کرکی) و عزالدین حسین بن عبدالصمد جبل عاملی، پدر شیخ بهایی، شیخ بهایی و محمد بن حسن بن علی معروف به شیخ حر عاملی که در مشهد می‌زیست، اعتبار حوزه‌های علمی را دوچندان کرده بود. از طرفی نیاز شاهان صفوی به وجود این عالمان مهاجر و سپردن پست‌های مهم مذهبی - سیاسی به آنان، چون مقام صدر و شیخ الاسلامی که صدور فتوا لازمه آن بود، بیش از پیش بر اعتبار اجتماعی، سیاسی و مذهبی آنان افزود و از طرفی رنجش علمای ایرانی تبار را که در سلک علمای دسته دوم قرار داشتند موجب شد.

صدور فتوهای نوین و اجتهادهای زیاد مجتهدان، سبب واکنش

حیدر حب الله
نظریة السنة
فی الفكر الإمامی الشیعی
التکون والصیرورة



را نقل می‌کنید که در آنها اختلاف دارید و بعد از شما، مردم بیشتر در این باره اختلاف خواهند کرد. بنابراین از پیامبر خدا چیزی نقل نکنید و هرگاه کسی درباره حدیثی از شما پرسید، بگویید: کتاب خدا در میان ما و شما هست حلال آن را حلال شمارید و حرامش را حرام.

این دیدگاه هر چند در تاریخ اسلام و حتی در میان اهل سنت دوام نیاورد، اما اخیراً طرفدارانی پیدا کرده است.^۲

ب) دیدگاه دوم: فهم قرآن، تنها از طریق سنت

در مقابل دیدگاه نخست، نظریه دیگری وجود دارد که بر اساس آن، شناخت قرآن برای عامه مردم ممکن نیست و آنان برای تفسیر قرآن و عمل کردن به آن حتماً باید به سنت مراجعه کنند.

این دیدگاه نخستین بار به برخی صحابه و تابعین نسبت داده شده است؛ به طوری که از عبید الله بن عمر نقل شده است:

لقد أدركتُ فقهاء المدينة، وإتهم كيعظمون القول في التفسير، منهم: سالم بن عبد الله والقاسم بن محمد وسعيد بن المسيب و نافع: من فقهای مدینه را درک کردم. آنها گفتن تفسیر را گران می‌شمردند. از جمله ایشان سالم بن عبد الله، قاسم بن محمد، سعید بن مسیب و نافع بود.

همچنین در میان پیروان اهل بیت (ع)، این نظریه به گروهی از طرفداران مکتب اخباریگری نسبت داده شده است. آنان معتقدند که دستیابی به معارف قرآن، ویژه پیامبر (ص) و اهل بیت اوست و از این رو ظواهر قرآن، برای ما حجت نیستند.^۳ شماری دیگر از اخباریان شیعه پا را از این هم فراتر گذاشته و بر این باورند که بسیاری از سنت‌های پیامبر (ص) مانند بیشتر آیات قرآن رمزگشاه و معمایند و جز مخاطبان اصلی آنها، یعنی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، کسی مقاصد و معانی حقیقی آنها را نمی‌فهمد.

امین استرآبادی بنیان‌گذار این شیوه از اخباری‌گری، در این باره می‌گوید: «وإن القرآن في الأثرورد على وجه التعمية بالنسبة إلى أذهان الزعمية و كذلك كثير من السنن النبوية وإنه لا سبيل لنا فيما لا نعلمه من الأحكام النظرية الشرعية، أصلية كانت أو فرعية؛ إلا السماع من الصادقين (ع)، وإنه لا يجوز استنباط الأحكام النظرية من ظواهر كتاب الله و لا ظواهر السنن النبوية ما لم يعلم أحوالهما من جهة أهل الذكر (ع)، بل يجب التوقف و الاحتياط فيهما»^۴ بیشتر آیات قرآن و همچنین بسیاری از سنت‌های پیامبر (ص)، از اذهان عموم پوشیده‌اند و برای

او اخباریان را جمعی برتر از دانشمندان سایر علوم می‌داند و می‌گوید آنان معرفت و خدانشناسی را از گفته معصومان کسب نموده‌اند. نیز تأکید ائمه اطهار بر عدم توجه به علم اصول فقه و کلام را یادآوری می‌کند و بر همین اساس، علمای اصولی را گمراه، بدعت‌گزار و مخرب دین می‌داند و آنان را سرزنش می‌کند.

امین استرآبادی نظریه پرداز اخباریون با ارائه دیدگاه‌هایی چنین سبب می‌شود تا در این عصر دوباره سنت شکوفا شود و تا دو قرن پس از آن ادامه یابد و در ادامه مکتب یقین دوباره بر همه جامعه شیعی حاکم می‌شود. مرجعیت علمی قرآن و چگونگی این مرجعیت در کنار مرجعیت سنت از بحث‌های دیگر این فصل است.

به طور کلی در باره جایگاه سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و نقش آن در تبیین مفاهیم قرآن و مقاصد آن چند دیدگاه وجود دارد:

الف) دیدگاه نخست: فهم قرآن، بی‌نیاز از سنت

این دیدگاه برای نخستین بار توسط خلیفه دوم مطرح شد. او هنگامی که پیامبر خدا می‌خواست در بستر مرگ سنت مکتوبی از خود به یادگار بگذارد که مانع از گمراهی امت شود، با استناد به این نظریه از اقدام پیامبر (ص) جلوگیری کرد.

این عباس این داستان را چنین نقل کرده است:

«لَمَّا حَضَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي الْبَيْتِ رِجَالٌ فِيهِمْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، قَالَ النَّبِيُّ (ص): هَلَمْ أَكْتُبْ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَضَلُّوا بَعْدَهُ! فَقَالَ عُمَرُ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ! وَعِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ. حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»^۱ چون پیامبر خدا در بستر احتضار افتاد، عده‌ای از جمله عمر بن خطاب در اتاق حضور داشتند. پیامبر (ص) فرمود: «بیا بید تا برای شما نوشته‌ای بنویسم تا با وجود آن هرگز گمراه نشوید». در این لحظه عمر گفت: درد بر پیامبر غلبه کرده است! در نزد شما قرآن هست. کتاب خدا ما را کفایت می‌کند.

این سخن بدان معنا بود که در معرفت دینی، مطلقاً نیازی به سنت نیست. جلوگیری از کتابت حدیث پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) که یک سده به طول انجامید، بر پایه این دیدگاه بود. ذهبی آورده است:

«إِنَّ الصَّادِقَ جَمَعَ النَّاسَ بَعْدَ وَفَاةِ نَبِيِّهِمْ، فَقَالَ: إِنَّكُمْ تُحَدِّثُونَ عَن رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَحَادِيثَ تَخْتَلِفُونَ فِيهَا، وَالنَّاسُ بَعْدَكُمْ أَشَدُّ اخْتِلَافًا؛ فَلَا تُحَدِّثُوا عَن رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْئًا، فَمَنْ سَأَلَكُمْ فَقُولُوا: بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ كِتَابُ اللَّهِ؛ فَاسْتَجَلُّوا حَلَالَهُ وَحَرِّمُوا حَرَامَهُ»؛ پس از وفات پیامبر (ص) [ابو بکر] صدیق، مردم را جمع کرد و گفت: شما از پیامبر خدا احادیثی

۲. در سال ۱۹۰۶ م دکتر محمد توفیق صدقی با نگارش مقاله‌ای با عنوان «الإسلام هو القرآن وحده» به این موضوع دامن زد. سپس در هند و پاکستان گروهی با عنوان «القرآنیون» شکل گرفت. فصل ششم کتاب نظرات این گروه را به تفصیل بیان کرده است.

۳. بهشتی، ابراهیم؛ اخباریگری (تاریخ و عقاید)؛ ج ۱، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۴.

۴. استرآبادی، محمد امین؛ الفوائد المدنیة: تحقیق: الشیخ رحمة الله الرحمتی الأراکی؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسین، ۱۴۲۴ق، ص ۴۷.

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الأنوار؛ ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۵۳۲.

برای بهره‌گیری از رهنمودهای آن دعوت می‌کنند، بر قابل فهم بودن این کتاب آسمانی برای آنان دلالت دارند.

۲. **آشنایی با اشارات قرآن:** دومین مرحله قرآن‌شناسی برای عموم مردم میسر نیست، بلکه نیاز به تخصص دارد و تنها خواص هستند که می‌توانند به این حوزه معرفتی راه یابند. اشارات قرآن، راه دستیابی به بخش عمده‌ای از معارف آن است و این‌گونه شنیدن سخن قرآن و فهم تصدیق و شهادت و اشارت برخی از آیات در مورد برخی دیگر، کار هر کس نیست و تنها خواص و اهل فن می‌توانند تشخیص بدهند که هر آیه درباره‌ی آیه دیگر چه می‌گوید، کدام آیه به کدام اشاره دارد و کدام آیه مفسر و مبین کدام آیه دیگر است.

۳. **آشنایی با لطایف قرآن:** در این مرحله از قرآن‌شناسی، با کشف دقایق و لطایف کتاب خدا زمینه استنتاج نهایی از معارف بلند آن فراهم می‌شود، اما این مرتبه از شناخت ویژه اولیای الهی است. در این مرحله از قرآن‌شناسی، پیوند قرآن و حدیث جلوه دارد؛ به گونه‌ای که قرآن عهده‌دار ترسیم خطوط اصلی و کلی دین است و سنت عهده‌دار بیان حدود و جزئیات دین. از این رو دین‌شناسی به مفهوم کامل آن، تنها در پرتو هدایت قرآن و حدیث در کنار هم امکان پذیر است.

۴. **آشنایی با حقایق قرآن:** قرآن افزون بر عبارات و اشارات و لطایف، حقایقی دارد که بالاترین مراتب شناخت قرآن، آشنایی با حقایق آن است و این مرتبه از شناخت، مخصوص پیامبر(ص) است. بر اساس ادله قطعی که بیان می‌کنند، علوم پیامبر به اهل بیت (ع) که اوصیای او هستند منتقل شده است، پس این سطح معرفت مخصوص ایشان است و از این رو در احادیث فراوانی تأکید شده که جز خاندان پیامبر(ص)، هیچ کس قرآن‌شناس جامع و کامل نیست.

در ادامه این فصل و پس از بررسی مفصل دیدگاه‌های متعدد درباره جامعیت قرآن و سنت شاهدیم که جنبش اخباریگری موجب نگرانی مکتب اصولیون و رجال و درایه که اصل ظن را بنیان نهادند شد، بنابراین اینان مقوله ظن را تقویت کردند و با کشته شدن میرزا، اخباری رسماً یکی از بزرگ‌ترین مکاتب فکری شیعه شد.

۵ - ۲. فصل پنجم: سنت در روزگار معاصر

در این فصل به سنت در روزگار معاصر با توجه به فرایند بحث‌های اصولی مدرسه‌های قم و نجف توجه شده است. در این دوره با چیره شدن جریان اصولی، ظن بر حوزه‌ها حاکم و بساط شک پهن شد. این مدرسه ظن همراه با فلسفه و مباحث علم اصول آمیخته بوده. بر اساس اعتماد علمای امامیه به عقل و فلسفه و ظن، ایشان برای پاکسازی خبر واحد از براهین عقلی کمک گرفتند. بنابراین در این عصر سیره عقلی شرعی سبب تحول در نظریه سنت شد.

دانستن احکام نظری شرعی، اعم از اصول یا فروع، راهی جز شنیدن از پیشوایان صادق(ع) وجود ندارد. همچنین استنباط احکام نظری از ظواهر کتاب خدا و یا ظواهر سنت پیامبر(ص) مادامی که درباره حقیقت آنها از اهل بیت(ع) چیزی به ما نرسیده است جایز نیست، بلکه باید در این باره توقف و احتیاط کرد. مهم‌ترین دلایلی که برای اثبات این نظریه بیان کرده‌اند عبارت است از: حرمت تفسیر به رأی، روایات دال بر اختصاص داشتن فهم معارف قرآن به اهل بیت(ع) و ظاهر نبودن الفاظ قرآن.

ج) دیدگاه سوم: فهم قرآن از طریق سنت در موارد خاص

در تاریخ اسلام دیدگاه نخست به مهجور شدن سنت انجامید و دیدگاه دوم به مهجور شدن بیشتر قرآن دامن زد. در مقابل دو دیدگاه گذشته، دیدگاه سوم وجود دارد و آن این است که قرآن‌شناسی جز در موارد خاص (تفصیل احکام و قصص و معاد)، نیازی به سنت ندارد و فهم قرآن با کمک گرفتن از خود قرآن امکان پذیر است. پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نیز در جایگاه معلمان قرآن ما را به همین راه راهنمایی کرده‌اند.^۵

د) دیدگاه چهارم: فهم قرآن از طریق سنت، تنها در برخی سطوح

تبیین دقیق رابطه متقابل قرآن و حدیث و نقش سنت در تفسیر قرآن و فهم معارف دینی، تنها از طریق تفصیل قائل شدن میان مراتب قرآن‌شناسی (فهم معارف قرآن) صورت می‌گیرد. بر این اساس فهم معارف قرآن کریم را در چهار مرحله خلاصه می‌کنند:

۱. **آشنایی اجمالی با معارف قرآن:** هر کس زبان عربی را بداند و بتواند عبارات قرآن را بفهمد، به تناسب قدرت درک خود می‌تواند از نورانیت آن بهره‌بردار. همه آیات و احادیثی که عموم مردم را به تدبیر در قرآن

۵. علامه طباطبایی از جمله پیروان این نظریه است که می‌فرماید: «آیات شریفی که مردم را به طور عمومی - از کافر و مؤمن و از کسانی که در عهد نزول کتاب الهی بوده و یا اشخاصی که بعداً به وجود آمده‌اند - به اندیشیدن و تدبیر در قرآن دعوت نموده، به طور آشکارا دلالت دارد که معارف قرآنی را می‌توان با بحث و کنجکاوی در آیات به دست آورد و بدین وسیله اختلافی را که در نظر ابتدایی در میان بعضی آیات دیده می‌شود مرتفع ساخت. در این صورت معنا ندارد که فهمیدن معانی آیات قرآن را موقوف به فهم «صحابیان و تابعیان» نماید، بلکه بالاتر نمی‌توان در چنین مقامی، درک معانی آن را هم به سخنان پیامبر(ص) حواله داد؛ زیرا کلام پیامبر خدا در چنین زمینه‌ای یا کلامی است که موافق ظاهر کتاب الهی و مطابق با آن است و یا با آن، مخالفت دارد و واضح است که در صورت موافقت، احتیاجی به آن نیست؛ زیرا خود شخص ولو پس از تدبیر و بحث همان معنا را درک می‌کند، اما در صورت مخالفتش با کتاب الهی با مقام «تحذی» سازگاری ندارد و نمی‌تواند حجتی را برای مخالف اقامه کند، ولی در شرح و تفصیل احکام فرعی، چاره‌ای جز استفاده کردن از حدیث نبوی نیست؛ چنان که خود قرآن شریف هم این قبیل مطالب را به توضیحات پیامبر خدا حواله داده است و آیه شریف: «آنچه را که پیامبر به شما داده است بگیرید و از آنچه شما را باز داشته باز ایستید» و آنچه در تفسیر آن رسیده، همه به همین قسمت مربوط اند. همچنین در قسمت‌هایی که مربوط به داستان‌ها یا تفصیل «معاد» هستند، حدیث پیامبر(ص) لازم و حتمی است. از آنچه گفتیم روشن می‌شود که شأن پیامبر خدا در چنین مقامی، تنها و تنها جنبه آموزش است و معلوم است که آموزش فقط یک نحو راهنمایی است که استاد آگاه و خبیر به وسیله آن ذهن شاگرد را برای درک کردن چیزی که برای او سنگین و دشوار است ارشاد و رهبری می‌نماید. رک به: طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۸۴ - ۸۵.

۶-۲. فصل ششم: طرح نقد سنت در محافل

حدیثی شیعه

این فصل که حجیم‌ترین فصل کتاب است، نگاهی به جریان‌های نقدگرایی حدیث در عصر حاضر دارد و افراد مؤثر در این جریان را به همراه آثارشان بررسی می‌کند. در مدخل ابتدایی فصل بحث از نقد سنت و نبوی در میان مستشرقان و مجامع اهل سنت و جریان قرآنیون هند و مصر است.

جریان نقدگرایی شیعه و افراد شاخص و برجسته آن به همراه آثارشان، موضوع اصلی فصل است. در

یک دسته‌بندی منطقی این جریان را می‌توان به پنج گروه تقسیم کرد:

الف) جریان مدرسه نقدی که بحث موضوعات و اخبار جعلی را بررسی می‌کند. الاخبار الدخیلة شوشتری تلاشی در همین راستاست.

ب) جریان پویای تصفیه و تهذیب مصادر حدیث شیعه: این گروه اصولیان منتقدی هستند که اعتقاد دارند در پرتو معیارها و مبانی مشخص علمی اعم از بررسی‌های سندشناسانه، بهره‌گیری از علم رجال، شناخت تاریخ صحیح ائمه (ع) و عرضه متون روایات بر مبانی دینی، به ضعف‌زدایی از روایات و تصفیه کتب حدیثی پرداخت. میرزا ابوالحسن شعرانی، هاشم معروف حسنی، محمدباقر بهبودی و آصف محسنی از چهره‌های ویژه این گروه هستند.

ج) اصولیان معتدل: این گروه نقد معتدلانه‌ای به حدیث داشته و دیدگاهشان حفظ حداکثری حدیث است. این عده از علمای شیعه، ضعف‌های سندی را در پرتو بسیاری از قرائن متنی نادیده می‌گیرند تا حدیث به صورت حداکثری حفظ شود. حتی برای حفظ حداکثری حدیث، احادیث اهل سنت را نیز بررسی می‌کند. آیت‌الله ری شهری و مجموعه دارالحدیث، برادران حکیمی و آیت‌الله سبحانی از افراد شاخص این گروه هستند.

د) قرآنیون شیعه: این گروه که پس از قرآنیون اهل سنت و با همان تفکر از دل جامعه شیعه بیرون آمدند، سعی دارند حجیت مطلق کل روایات (چه اخبار یقینی و چه ظنی) را زیر سؤال ببرند و قرآن‌بسندگی را اعلام نمایند. آیت‌الله محمدصادقی تهرانی عالم‌ترین چهره این گروه است که به نسبت دیگر پیروان این جریان اعتدال بیشتری دارد. شریعت سنگلجی، عبدالوهاب فرید و مصطفی حسینی طباطبایی از دیگر افراد شاخص این جریان هستند.

ه) ناقدان تندرو که عقاید شیعه را زیر سؤال می‌برند: این گروه که حتی از قرآنیون نیز تندروتر هستند، سعی می‌کنند تا همه روایات صحیح و سقیم را باطل دانسته و از رهگذر بطلان کل روایات، عقاید شیعه را

استرآبادی در پی احیای طریقه

فقهی اخباری‌گری در برابر روش

فقهی اصولی مجتهدان بود و در

این راه موفق به ارائه دیدگاه‌های

عقیدتی و فکری خود در آثارش

شد. او تأثیر زیادی در حوزه تفکر

دینی در ایران عصر صفوی در زمان

حیات و بعد از آن بر جای گذاشت.

در این موفقیت تلاش‌های آیت‌الله وحید بهبهانی بسیار مؤثر بود که باعث بالندگی این مکتب شد. او یکی از علمای بزرگ شیعه است که در اواخر قرن دوازدهم هجری قمری در شهر کربلا بنیان‌های مدرسه نوینی را در فقه اجتهادی و اباحت اصولی پایه‌ریزی کرد. اهمیت ایجاد چنین پایگاهی در شهر کربلا از آن جهت بود که این شهر تا آن زمان، مرکز اخباریت و پایگاه علمای اخباری به شمار می‌آمد و مرجع عام و خاص بود. مردم در آن روزگار توجهی به مجتهدان و علمای اصولی نداشتند.

شیخ یوسف بحرانی که در میان علمای اخباری جایگاه خاصی داشت، در همین شهر می‌زیست. او حوزه درسی بسیار مفصلی داشت و ریاست علمای اخباری بر عهده‌اش بود. آیت‌الله بهبهانی در کنار روشنگری‌ها و افشاگری‌ها و استدلال‌های عقلی و منطقی و تاریخی، در رد اخباریت و اثبات اجتهاد و ضرورت به کارگیری اصول در طریق استنباط حکم شرعی موضوعات و حوادث واقعه، از شیوه‌های عملی نیز در راه مبارزه با اخباری‌گری استفاده می‌کرد و رسماً حضور یافتن در درس شیخ یوسف بحرانی که اخباری معتدلی بود را منع می‌کرد.

او در حدی برای این کار جدی بود که می‌گوید: آیت‌الله سیدعلی (صاحب ریاض المسائل) که داماد و خواهرزاده وحید بهبهانی بود و خیلی دوست داشت در درس صاحب حدائق شرکت کند، جرأت نمی‌کرد که آشکارا در درس او حاضر شود و ناچار بود شب‌ها و آن هم در کمال احتیاط در درس او حضور یابد.

با گذشت زمان حوزه درسی وحید بهبهانی از نظر کمی و کیفی گسترش یافت. حوزه جدید با تمام امکانات و با شوری وصف‌ناپذیر، با حرکت اخباری‌گری در افتاد و با برداشته‌های سطحی و بی‌اساس مبارزه کرد.

عالمانی چون محمدباقر صدر با تکیه بر علوم ریاضی جدید و حساب و احتمال نظریه تواتر را بنا کردند. نظریه تعارض بین روایات که به دلیل حل اختلاف و رویارویی احادیث با یکدیگر بود، به شکل حیرت‌انگیزی در این دوران ظهور کرد.

در این میان مدرسه رجالی آیت‌الله خوبی و تلاش‌های آیت‌الله بروجردی در تحلیل ظواهر حدیث و رجال نیز حائز اهمیت بود.

چنین بود که سلسله تاریخی شیعه با یقین شروع شد و در ادامه، ظن همراه با علامت غالب شد. دوباره با جریان اخباری‌گری، یقین بر تفکر شیعه مستولی شد و در نهایت ظن بر حوزه‌های علمی شیعی برتری یافت.

نقد سند آغاز شد و سپس حضور علم رجال و چاره جویی های سندی بالا گرفت و در ادامه احمد بن طاووس پا به عرصه ظهور گذاشت و با تلاش هایش اساس تقسیم رباعی حدیث را بنیان نهاد. سپس علامه حلی با بیان صریح تقسیم رباعی حدیث، اساس فکری نودر نگاه به نظریه سنت را به وجود آورد.

۶. جریان اخباریگری با تلاش های نظریه پرداز این جریان، امین استرآبادی سبب می شود تا در این عصر دوباره سنت شکوفا شود و تا دو قرن پس از آن ادامه یابد.

۷. در روزگار معاصرو با توجه به فرایند بحث های اصولی مدرسه های قم و نجف و چیره شدن جریان اصولی، ظن بر حوزه ها حاکم و بساط شک پهن شد. این مدرسه ظن همراه با فلسفه و مباحث علم اصول آمیخته بود. ایشان بر اساس اعتماد علمای امامیه به عقل و فلسفه و ظن بود که برای پاکسازی خبر واحد از براهین عقلی کمک گرفتند، بنابراین در این عصر سیره عقلی شرعی سبب تحول در نظریه سنت شد.

۸. جریان نقدگرای شیعه و افراد شاخص آن به همراه آثارشان موضوع اصلی فصل ششم است که در یک تقسیم بندی، جریان مدرسه نقدی و بحث موضوعات و اخبار جعلی را بررسی می کند. این فصل جریان پویای تصفیه و تهذیب مصادر حدیث شیعه، اصولیان معتدل، قرآنیون شیعه و ناقدان تندرو که عقاید شیعه را زیر سؤال می برند را شامل می شود.

۹. حجیت در احادیث غیر شرعی و احکام اعم از پزشکی، تفسیر و... مورد اختلاف علمای شیعه بوده و از نظر مؤلف کتاب، بیشتر علمای شیعه به عدم حجیت خبر واحد در این حوزه ها معتقد هستند.

کتابنامه

۱. استرآبادی، محمد امین؛ الفوائد المدنیة؛ تحقیق: الشیخ رحمة الله الرحمتی الأراکی؛ قم؛ مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسین، ۱۴۲۴ق.
۲. بهشتی، ابراهیم؛ اخباریگری (تاریخ و عقاید)؛ ج اول، قم؛ سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۰ش.
۳. حب الله، حیدر؛ نظریة السنة فی الفكر الإمامی الشیعی التکون و الصیرورة؛ بیروت؛ مؤسسه انتشار العربی، طبعه الاولى، ۲۰۰۶م.
۴. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الأنوار؛ ج دوم، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

باطل و موهوم معرفی نمایند. ابوالفضل برقی با تألیف کسرالصنم و نیز حیدرعلی قلمداران در این گروه جای دارند.

۷-۲. فصل هفتم: محدوده های حجیت سنت

این فصل اختصاص دارد به حد و حدود حجیت خبر واحد در غیر احکام و مسائل فقهی. از این رهگذر در این فصل بحث هایی چون حجیت سنت در مسائل اعتقادی، حجیت سنت در بحث های تفسیری، حجیت سنت در مسائل پزشکی و نیز حجیت سنت در داده های تاریخی بررسی شده است. بحث مختصری درباره قاعده تسامح در ادله سنن و اینکه این مسئله، نوعی چیرگی بر محافل تعاملی شیعه داشته پایان بخش این فصل است.

بنا به نظر حب الله، بیشتر علمای شیعه به عدم حجیت خبر واحد در این حوزه ها معتقد هستند.

در پایان کتاب نیز مصاحبه مؤلف با آیت الله محمد باقر بهبودی و شیخ محمد آصف محسنی ضمیمه کتاب است.

نتایج پژوهش

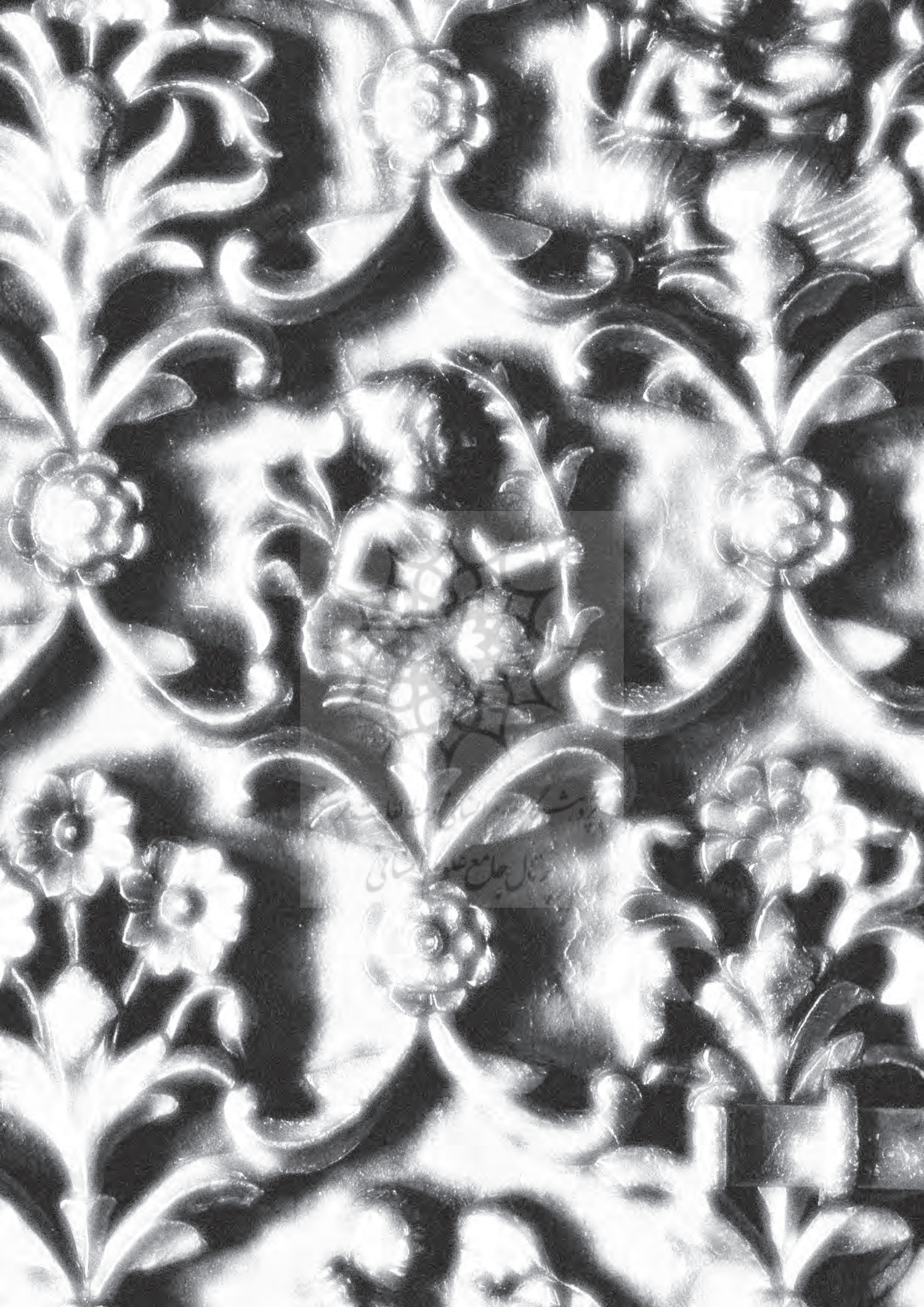
۱. هدف از نوشتن این کتاب رصد تئوری پایه ای و اصلی شیعی در مقوله ی حدیث شیعی است.

۲. دو نوع سنت وجود دارد: سنت واقعی و سنت محکی. شیعه در حجیت سنت واقعی و حقیقی که همان خبر متواتر و یا محفوظ به قرائن است شکی ندارد. پس سنت محکیه موضوع عالمان شیعه در طول تاریخ بوده و بحث از اعتبار این نوع سنت، موضوع اصلی کتاب است.

۳. حیات علمی شیعی با اجتهاد همراه بوده است؛ خصوصاً در قلمروهای عقلی کلامی. همچنین مجموعه ای از شواهد تاریخی و تحلیلات منطقی، نشانگر این است که اجتهاد و نظر در عصرنامه (ع) همراه با نص بوده است و در عین حال که اجتهاد وجود داشته است، برخوردها و مواضع شیعیان آن عصر به گونه ای بوده که گویا شیعه در عصر حضورنامه (ع)، به سنت حقیقی و واقعی عمل کرده و آن را پذیرفته است.

۴. شیعه در بین قرن چهارم تا هفتم هجری بر نظریه یقین در سنت استوار است و از هر گونه رجوع به خبر واحد و ظنی روی گردان است. تمامی علمای شیعه به استثنای شیخ طوسی که حجیت سنت محکی را قبول دارد، به حجیت سنت یقینی اهتمام داشته و بر اساس آن عمل می کردند.

۵. مهم ترین رویداد حدیثی دوره بعد، تغییر مبانی نگرش به اعتبار روایات و نقد روایات است. جریان نظریه سنت و حرکت از نقد متن - که در گذشته بود - به سمت نقد سند، اولین بار از سوی ابن ادریس با



پروژه
موزه ملی ایران